

چهارسوت



۷۲

هشدار صریح
رهبر انقلاب به آمریکا:

اگر جنگی راه بیاندازید جنگ منطقه‌ای خواهد بود

۷۳

بیانیه نمایندگان مجلس در محکومیت قطعنامه
مداخله جویانه اتحادیه اروپا علیه سپاه



نمایندگان مجلس شورای اسلامی بیانیه‌ای در محکومیت قطعنامه مداخله جویانه اتحادیه اروپا علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صادر و با یادآوری نقش آفرینی‌های سپاه پاسداران در نجات اروپا از گرفتار شدن در آتش تروریسم تکفیری و جنایت‌گری‌های داعش، هشدار دادند که مسئولیت تمامی پیامدهای سیاسی، حقوقی و امنیتی مرتب بر این تصمیم نادرست برعهده طراحان و بانیان آن خواهد بود. نمایندگان مجلس شورای اسلامی اقدام غیرقانونی، نامعتبر و مغایر با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل از سوی اتحادیه اروپا در طرح اتهامات بی‌اساس و تلاش برای برچسب‌زنی تروریستی به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پرچمدار مبارزه ضد تروریسم در دوران معاصر را به شدت محکوم می‌کنند و آن را اقدامی خصمانه و مزورانه علیه حاکمیت ملی و اداره ملت بزرگ ایران می‌دانند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان نهادی رسمی، قانونی و پرامنه از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نقشی بی‌بدیل در پاسداری از استقلال، تمامیت ارضی و امنیت ملی و ثبات منطقه‌ای ایفا کرده و همواره در خط مقدم مبارزه با تروریسم افراط‌گرایی

تروریسم تکفیری و جنایت‌گری‌های داعش، هشدار می‌دهد مسئولیت تمامی پیامدهای سیاسی، حقوقی و امنیتی مرتب بر این تصمیم نادرست برعهده طراحان و بانیان آن خواهد بود. نمایندگان ملت ضمن اعلام حمایت قاطع و مقتدرانه از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به عنوان حصن حصین و بازوی پرتوان دفاعی کشور و مشت آهنین ایرانیان برای روزهای سخت در برابر دشمنان خود بروحدرت ملی در برابر عملیات روانی و فشارهای خارجی تأکید کرده و از همه نهاده‌های بین‌المللی می‌خواهند به اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، احترام مقابل و پرهیز از استانداردهای دوگانه پایبند باشند. مجلس شورای اسلامی تصریح می‌کند که ملت ایران با اتکاب به توان داخلی و روحیه مقاومت هرگز در برابر اقدامات سیاسی و تبلیغاتی که با هدف تضعیف اقتدار ملی طراحی می‌شود، عقب‌نشینی نخواهد کرد و در مسیر پیشرفت، امنیت و عزت خود با اراده‌ای استوار تحت زعامت حکیمانه و شجاعانه مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ادامه خواهد داد.

یادداشت

مردم دنبال نان دولت دنبال موتورسواری بانوان

دکتر سعید عبدالملکی

تحلیلگر مسائل سیاسی



در روزهایی که تورم از دیوار خانه‌ها بالا رفته و سفره مردم هر روز کوچک‌تر می‌شود، دولتی که باید مشغول درمان دردهای اقتصادی جامعه باشد، سرگرم نمایش‌های فرعی و تصمیماتی است که هیچ ارتباطی با حقیقت زندگی مردم ندارند. از فیلترینگ و محدودیت‌های فرهنگی گرفته تا طرح‌هایی مثل موتورسواری زنان همه چیز گویا به نمایش و بازی گرفته شده و دستاوردسازی مصنوعی جای سیاست‌گذاری واقعی را گرفته است. دولت از همان ابتدا اعلام کرد تمرکز اصلی اش بر مسائل اجتماعی است، نه اقتصادی. اما نتیجه این رویکرد چیست؟ امروز، در کشوری که مردم با گرانی، کاهش قدرت خرید و بی‌ثباتی بازار دست و پنجه نرم می‌کنند، خبر تصویب موتورسواری زنان به عنوان اقدام بزرگ اجتماعی پخش می‌شود. نیمه‌شب پیامک تبلیغ آن به میلیون‌ها شهروند می‌رسد در حالی که همان شهروندان نمی‌دانند فردا قیمت نان یا تخم‌مرغ چقدر افزایش پیدا می‌کند.

وقتی اولویت‌ها وارونه می‌شوند:

چه کسی پاسخ می‌دهد که چند درصد زنان کشور واقعا دغدغه موتورسواری دارند؟ در مقابل چند میلیون زن سرپرست خانوار، مادران تنها، کارگران و زنان شاغل با مشکلات روزمره معیشتی دست به گریبان‌اند؟ وقتی دولت‌مردان از واقعیت‌های کف جامعه فاصله می‌گیرند، نگاهشان سطحی می‌شود، سیاست‌ها شعاری می‌شوند و تصمیم‌ها به جای حل مسئله، تبلیغ مسئله می‌کنند. قانون جوانی جمعیت به فرمایش مقام معظم رهبری خاک می‌خورد، سیاست‌های مهم اقتصادی اجرایی می‌شود، ولی پروژه‌های کوچک با آب‌وتاب و تبلیغات معرفی می‌شوند. این فقط یک اشتباه مدیریتی نیست؛ نشانه یک بحران درک و تشخیص است. دولتی که اولویت‌های نظام حکمرانی را نمی‌فهمد یا عمداً جابه‌جایی می‌کند، در واقع کشور را از درون تضعیف می‌کند؛ چون دغدغه اصلی مردم را فراموش کرده‌است.

اقتصادرها شده و سفره نهمی مردم

امروز مردم نه دنبال شعارند و نه دنبال وعده؛ دنبال تعادل اند. تعادلی بین درآمد و قیمت‌ها، بین یارانه و تورم، بین وعده و واقعیت. این کالابری که به حساب مردم واریز می‌شود گاهی به اندازه دوشانه تخم‌مرغ ارزش دارد. آیا این حمایت است یا نمایش؟ تناسب بین پولی که دولت به حساب مردم می‌ریزد و قیمتی که بازار تعیین می‌کند ناپدید شده و نبود نظارت، این شکاف را هر روز عمیق‌تر می‌کند. وقتی نظام اقتصادی کشور به سبک نئولیبرالیسم آمریکایی‌ها می‌شود، اما زیرساخت‌های نظارتی و حمایتی وجود ندارد، نتیجه فقط یک واژه است: هرج و مرج. هر مغازه‌ای قیمت خودش را دارد، هر کالا هزار نرخ و هیچ سازوکاری برای کنترل مؤثر وجود ندارد. بازار خودش تصمیم می‌گیرد و دولت به تماشای آشفتگی نشست است. این یعنی مردم در میدان رقابت بی‌عدالتی رها شده‌اند و تورم حکم داور نهایی را صادر می‌کند. شاید کسی فکر کند این تمرکز بر مسائل اجتماعی یک تاکتیک آرامش‌بخش است، اما در واقع برعکس است. وقتی درد معیشت نادیده گرفته شود، وقتی سفره مردم کوچک شود و وقتی امید اقتصادی فروریزد، جامعه خودش واکنش نشان می‌دهد آن هم نه با لبخند، بلکه با اعتراض و انفجار نارضایتی. اغتشاش و بحران از آسمان نمی‌افتد؛ از بی‌توجهی به سفره مردم آغاز می‌شود. همین هزینه پیامک‌های گاه و بیگاهی که ارسال می‌کنند از بیت‌المال است یعنی حق مردم است. دولت اگر می‌خواهد از هزینه‌های اجتماعی و اعتراضات آینده جلوگیری کند، باید به مسیر اصلی برگردد: اقتصاد و معیشت. هیچ پیامک نیمه‌شب، هیچ شعار اجتماعی و هیچ طرح نمایشی نمی‌تواند جای ثبات اقتصادی را بگیرد. مردم سال‌هاست که منتظر وعده نیستند؛ منتظر عمل واقعی‌اند.



دولت برای لحاظ شیر خشک به عنوان اقلام کالا برگ تسریع کند

سخنگوی هیات‌رئیس‌ه مجلس گفت: شیر خشک برای نوزادان، کالای اساسی محسوب می‌شود و از این جهت، مطالبه مردم بابت لحاظ آن به عنوان اقلام کالا برگ، درست و قابل تامل است؛ یک ماده غذایی مانند شیر همان‌طور که برای بزرگسالان کالای اساسی محسوب می‌شود، برای کودکان محروم از شیر مادر نیز جزو کالاهای اساسی است.

عباس گودرزی، سخنگوی هیات‌رئیس‌ه مجلس شورای اسلامی در پاسخ به درخواست مردم برای افزایش اقلام کالا برگ و همچنین لحاظ شیر خشک و پوشک به عنوان اقلام کالا برگی، اظهار داشت: به نظر من افزودن پوشک به کالای اساسی نه ممکن است و نه شایسته؛ زیرا برای اصلاح یک مسئله نه چندان بزرگ، نباید مسئله‌ای اساسی را دچار خدشه کرد. وی ادامه داد: اینکه ما بایبیم برخی کالاهای اساسی را حذف کنیم و بدین ترتیب کالری مورد نیاز خانواده تامین نشود و به جای آن، اقلام دیگری مانند پوشک اضافه شود، چندان منطقی نیست، البته پوشک برای خانواده دارای نوزاد، قطعاً نیاز مهمی است.

وی در عین حال تاکید کرد: اما شیر خشک برای کودکان، به‌ویژه نوزادان، کالای اساسی محسوب می‌شود و از این جهت، مطالبه مردم درست و قابل تامل است؛ یک ماده غذایی مانند شیر همان‌طور که برای بزرگسالان کالای اساسی محسوب می‌شود قطعاً برای کودکانی که از شیر مادر محروم هستند نیز جزو کالاهای اساسی به شمار می‌رود و این مطالبه منطقی باید دنبال شود.

وی افزود: با این حال، سیاست‌های حمایتی در حوزه خانواده و فرزندآوری باید به‌صورت جامع دیده شود؛ این که بگوییم کالایی را از یک بخش حذف کنیم و در بخش دیگر چیزی اضافه کنیم، به نظر منطقی نمی‌رسد اما مطالبه به موضوع شیر خشک باید از سوی دولت پیگیری شود و متولی با جدیت وارد عمل شود. وزارتخانه‌های مربوطه باید پای کار باشند به هر حال همان‌طور که گفتیم این اقدام برای یک ترکیب جمعیتی و یک رده سنی خاص، جزو کالاهای اساسی محسوب می‌شود؛ البته باز تا کاید می‌کنیم اضافه کردن یک کالا نباید به بهای حذف سایر کالاهای اساسی باشد. نماینده مردم پروردگرد در مجلس تصریح کرد: در نهایت باید توجه داشت که کالا برگ به تازگی اجرا شده است و نوباست، آن چه در گذشته پرداخت می‌شد، کالا برگ به معنای واقعی نبود. هدف کالا برگ، حفظ قدرت خرید خانوار است. امیدواریم در اصلاحات و تغییرات بعدی، به‌ویژه باز توجه به افزایش قیمت‌ها، ماه‌به‌التفاوت قیمت‌ها در قالب کالا به مردم بازگردانده شود.

وی افزود: امیدواریم با رایزنی دولت و در صورت تامین منابع مالی، یک ماه به دو قلم کالای مهم مورد نظر مردم نیز در دستور کار کالا برگ قرار گیرد. به گزارش اقتصاد معاصر، پیش از این فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در این باره گفته بود: احتمالاً پوشک هم به اقلام کالا برگ برای خانواده‌هایی که کودک داشته باشند اضافه شود، البته این مهم هنوز محقق نشده است اما این احتمال هم وجود دارد که سبد اقلام کالا برگ به صورت کلی هم باز شود.



بانک جهانی: ۳ شاخص حکومت‌داری در ایران بهبود یافت

بانک جهانی از بهبود ۳ شاخص کنترل فساد، پاسخگویی و کارآمدی دولت ایران در سال ۲۰۲۴ خبر داد.

بانک جهانی جدیدترین برآورد خود از شاخص‌های حکومت‌داری در کشورهای مختلف جهان از جمله ایران در سال ۲۰۲۴ را منتشر کرده و از بهبود سه شاخص حکومت‌داری در ایران طی این سال خبر داده است. شاخص‌هایی که در این گزارش مورد بررسی قرار گرفته‌اند، عبارت از پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، ثبات سیاسی و نبود خشونت، کارآمدی دولت، کیفیت مقررات و قوانین، حاکمیت و اجرای قانون و کنترل فساد هستند. برای هر یک از این شاخص‌ها، به هر کشور نمره‌ای از ۰ تا ۱۰ داده شده که هرچه این نمره بیشتر باشد، دلالت بر وضعیت بهتر کشور در آن شاخص دارد.

بر اساس برآورد بانک جهانی، سه شاخص پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، کنترل فساد و کارآمدی دولت ایران در سال ۲۰۲۴ نسبت به سال قبل از آن بهبود یافته است. دولت ایران در سال ۲۰۲۴ نمره ۶۵٫۲۵ را در شاخص پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری به دست آورده است. این رقم نسبت به سال قبل ۰٫۱ واحد افزایش داشته است.

نمره دولت ایران در شاخص کارآمدی نیز از ۶۵٫۹۵ در سال ۲۰۲۳ به ۶۱٫۶۱ واحد در سال ۲۰۲۴ افزایش یافته است که نشانه کارآمدتر شدن دولت ایران طی این سال است.

در شاخص کنترل فساد نیز نمره دولت ایران از ۱۵٫۲۴ در سال ۲۰۲۳ به ۱۶٫۶۳ در سال ۲۰۲۴ افزایش یافته است که نشان دهنده بهبود وضعیت مبارزه با فساد مالی در کشور طی این سال بوده است.

نمره ایران در ۳ شاخص دیگر طی سال ۲۰۲۴ کاهش داشته است. نمره ایران در شاخص ثبات سیاسی در سال ۲۰۲۴ بالغ بر ۸۹٫۸۹ اعلام شده که این رقم کمتر از ۴۴٫۲۱ ثبت شده برای سال ۲۰۲۳ بوده است.

در شاخص کیفیت قوانین و مقررات نمره ایران از ۱۷٫۳۱ در سال ۲۰۲۳ به ۱۳٫۰۳ در سال ۲۰۲۴ کاهش یافته است. نمره دولت ایران در شاخص اجرای قانون نیز از ۳۶٫۱۳ در سال ۲۰۲۳ به ۲۱٫۳۵ طی سال ۲۰۲۴ کاهش یافته است.



در دیدار هزاران نفر از اقشار مختلف مردم و در اولین روز دهه فجر مطرح شد

هشدار صریح رهبر انقلاب به آمریکا: اگر جنگی راه بیاندازید، جنگ منطقه‌ای خواهد بود

حساب‌شده در وقتی انجام شد که دولت و مسئولان در حال طراحی بسته و نقشه اقتصادی کشور برای پیشبرد بهتر وضع هستند.

آخرین خصوصیت مورد اشاره رهبر انقلاب از فتنه اخیر، خشونت داعش و ار آن بود.

ایشان با اشاره به اذعان رئیس جمهور کنونی آمریکا در انتخابات دوره اول خود درباره دست داشتن دولت آمریکا در ایجاد داعش، گفتند: در فتنه اخیر هم آمریکایی‌ها، داعشی را که کارهایش شبیه همان داعش است ایجاد کردند. داعش با خشونت افراد را با تهمت دینی بی سربه نیست می‌کرد و اینها هم افراد را با همان خشونت اما بخاطر دین داری نابودی کردند و با قساوت و بی رحمی عجیب، افرادی را زنده زنده، آتش زدند و سرهای را بریدند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بخش پایانی سخنان‌شان در خصوص علت دشمنی چهل و چند ساله آمریکا و ایران، گفتند: مسئله در دو کلمه خلاصه می‌شود: آمریکا می‌خواهد ایران را ببلعد اما ملت ایران و جمهوری اسلامی، مانع هستند؛ و در حقیقت جرم ملت ایران این است که به آمریکا گفته غلط می‌کنی که بخوای کشور من را ببلعی.

ایشان جاذبه‌های متعدد ایران همچون نفت، گاز، معادن غنی و موقعیت راهبردی و جغرافیایی را باعث طمع ورزی قدرتی متجاوز و زیاده‌طلب همچون آمریکا دانستند و خاطرنشان کردند: آنها در بی تصرف ایران و بازگرداندن تسلط خود بر منابع، نفت، سیاست، امنیت و ارتباطات بین‌المللی ایران همچون دوره پهلوی هستند. علت اصلی دشمنی آنها این است و بقیه حرف‌های آنها مثل حقوق بشر حرف مفت است.

رهبر انقلاب اسلامی تاکید کردند: ملت ایران در مقابل مطامع آمریکا محکم سینه سپر کرده، ایستاده و خواهد ایستاد و آنها را از مودی‌گری و اذیت کردن مأیوس خواهد کرد.

ایشان با اشاره به تهدیدهای آمریکایی‌ها در باره جنگ و استفاده از فلان هواپیما، گفتند: این حرف‌ها جدید نیست و در گذشته نیز بارها تهدید می‌کردند که همه گزینه‌ها روی میز است؛ حالا هم این آقا مرتباً ادعاهایی از این قبیل می‌کند که ما ناو آورده‌ایم.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: ملت ایران را نباید از این چیزها ترسانند؛ ملت ایران تحت تأثیر این حرف‌ها قرار نمی‌گیرد. البته ما شروع کننده نیستیم و نمی‌خواهیم به کسی ظلم و به کشوری حمله کنیم اما ملت ایران به کسی که طمع داشته باشد و بخواهد حمله و اذیت کند، مشت محکم خواهد زد.

رهبر انقلاب اسلامی تاکید کردند: البته این راه آمریکایی‌ها به پادند که اگر این دفعه جنگی راه بیندازند، این جنگ، جنگ منطقه‌ای خواهد بود.

بودند، پنهان شدند تا شناخته نشوند.

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: البته بازاری‌های با هوش با مشاهده اقدامات اغتشاشگران همچون حمله به کالتری‌ها به جای حرکت آرام در خیابان، خود را از آنها جدا کردند و فتنه‌گران را تنها گذاشتند. ایشان دومین خصوصیت فتنه اخیر را شبه‌کودتایی بودن آن خواندند و گفتند: این فتنه همچنانکه برخی در دنیا هم به آن اشاره کردند، شبیه کودتا بود. البته سرکوب شد اما تخریب مراکز حساس و مؤثر در اداره کشور از طریق حمله به پلیس، مراکز سپاه، بعضی از مراکز دولتی و بانکها و حمله به عناصر معنوی همچون مساجد و قرآن، نشان دهنده این واقعیت است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای طراحی فتنه در خارج از کشور و راهنمایی سرده‌های داخلی آن با استفاده از امکانات مختلف همچون اطلاعات ماهواره‌ای را خصوصیت دیگر اغتشاشات دی ماه برشمردند و خاطرنشان کردند: بر اساس اطلاع رسیده، یک عنصر آمریکایی مؤثر در حکومت، به طرف ایرانی خود گفته است سازمان‌های جاسوسی سیا و موساد همه امکانات خود را در این قصبه به صحنه آوردند.

ایشان موظف بودن سرده‌های آموزش دیده به کشته‌سازی را خصوصیت دیگر اغتشاشات خواندند و افزودند: بر اساس این دستور کار، به مراکز نظامی و انتظامی با سلاح‌های شخصی پیشرفته حمله کردند تا با عکس العمل مأومران، عده‌ای کشته شوند؛ البته برای کشته‌سازی بیشتر، حتی به پیاده نظام خود که با تبلیغات به میدان آورده بودند رجم نکردند و آنها را نیز هدف گرفتند.

رهبر انقلاب با اظهار تأسف از موفق شدن سرده‌های اغتشاشات در بالا بردن تعداد جان‌باختگان، گفتند: دل انسان برای این جوانان غافل و بی‌توجه می‌سوزد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به تلاش دشمن برای ده برابر نشان دادن تعداد کشته‌ها، گفتند: آنها می‌خواستند تعداد کشته‌ها پیش از این باشد؛ البته همین مقدار تلفات هم خیلی مایه تأسف است.

ایشان هدف اصلی دشمن را برهم زدن امنیت کشور خواندند و افزودند: وقتی امنیت نباشد هیچ چیز نیست. نه نان، نه تولید، نه کسب و کار، نه درس و بحث و تحقیقات، و نه علم و پیشرفت؛ بنابراین کسانی که امنیت کشور را حفظ کردند حق حیات به گردن همه مردم دارند.

رهبر انقلاب اسلامی تاکید کردند: آنها می‌خواستند مردم را در مقابل نظام قرار دهند اما مردم با حضور میلیونی خود در ۲۲ دی به دهان بد خواهان زدند و حقیقت ملت ایران را نشان دادند.

ایشان با تاکید بر اینکه مسئولان واقعاً باید قدر این مردم را بدانند، گفتند: البته این فتنه به صورت تصادفی یا

بوجود آمد و مردم را به تلاش و حرکت درآورد.

ایشان با یادآوری و سوسه‌های شیطاین واقعاً خبیث خارجی و داخلی مبنی بر اینکه «جوان ایرانی، امید و آینده نداره»، گفتند: جوان ایرانی هم امید و هم همّت دارد و آینده را هم به کوری چشم شما، خواهد ساخت.

رهبر انقلاب ۲۲ بهمن سالروز پیروزی انقلاب و ۱۲ فروردین روز استقرار جمهوری اسلامی با آرای ملت و همه پیشرفت‌های کشور را از نتایج روز مبارک ۱۲ بهمن ۵۷ دانستند و افزودند: برکات این روز عظیم به لطف پروردگار ادامه دارد.

ایشان در بخش دیگری از سخنان‌شان با تاکید بر ماهیت آمریکایی و صهیونی «فتنه ۱۸ و ۱۹ دی»، اغتشاشگران را مرگب از «سردسته‌ها» و «پیاده‌نظام» دانستند و افزودند: سردسته‌ها که بسیاری از آنها دستگیر شده‌اند، همانگونه که اعتراف کرده‌اند، برای اقدامات خود پول گرفته و برای چگونگی حمله به مراکز جمع کردن و به حرکت درآوردن جوانان آموزش دیده بودند؛ اما عده دیگری از اغتشاشگران، جوانان هیجانی بودند که خیلی با آنها مشکلی نداریم.

رهبر انقلاب اسلامی حرف‌های رئیس جمهور آمریکا را نشانه‌ای آشکار از آمریکایی و صهیونیستی بودن فتنه اخیر خواندند و گفتند: او صریحاً به اغتشاشگرانی که مردم ایران می‌خواند می‌گفت «بروید جلوم هم دارم می‌آیم»؛ البته از نظر آنها این چند هزار نفر اغتشاشگر، مردم ایران بودند اما میلیون‌ها نفری که ۲۲ دی در سراسر کشور اجتماع کردند مردم ایران نیستند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فکر و راه جدید جمهوری اسلامی و اصطکاک آن با منافع قدرهای جهان را باعث استمرار دشمنی آنها برشمردند و گفتند: به همین دلیل، فتنه اخیر همچنانکه اولین فتنه در تهران نبود، آخرین فتنه هم نخواهد بود و ممکن است در آینده نیز اینگونه حوادث تکرار شود.

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: این خصومت‌ها تا زمانی ادامه می‌یابد که ملت ایران با ثبات و استقامت و تسلط کامل بر امروز، باعث یأس دشمن شود که به این نقطه هم خواهیم رسید.

ایشان با اشاره به حوادث و جنایات مشابه فتنه اخیر در تهران همچون ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ که منافقین با تیغ موکت‌بری به جان بسیجی‌ها افتادند، خاطرنشان کردند: در همه این حوادث، دست بیگانگان و به‌طور خاص دست آمریکا و رژیم صهیونیستی قابل مشاهده است.

رهبر انقلاب با تاکید بر اینکه در فتنه اخیر و حوادث سالهای گذشته، دستگاه‌های انتظامی، بسیج، سپاه و دیگر بخش‌ها کاملاً به مسئولیت خود عمل کردند، افزودند: اما آنچه همچون سال ۸۸، آتش فتنه را خاموش و شعله‌ها را خاکستر کرد، وارد شدن مردم به میدان بود و پس از این هم اگر حادثه‌ای برای کشور به‌وجود بیاید، خدای متعال این مردم را برای مقابله با آن معیوت خواهد کرد و مردم کار را تمام می‌کنند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تشریح خصوصیات فتنه آمریکایی اخیر، اولین ویژگی آن را پنهان شدن اغتشاشگران پشت اعتراضات بازاری‌ها دانستند و گفتند: فتنه‌گران همچون جنایتکارانی که در حمله به شهرها، زنان و کودکان را سپر خود می‌کنند، پشت بازاری‌ها که حرف منطقی و درستی داشتند و به خیابان آمده

گزارش

در اولین روز دهه مبارک فجر، رهبر معظم انقلاب اسلامی

در دیدار هزاران نفر از اقشار مختلف مردم، ۱۲ بهمن را روزی استثنائی و تاریخ‌ساز خواندند و با اشاره به تبدیل حکومت «فردی، استبدادی، ضددینی و وابسته» پهلوی به حکومت «مردمی، مبتنی بر دین و ایستاده در مقابل زورگویی مستکبران»، گفتند: مردم آتش فتنه آمریکایی-صهیونی اخیر را مانند همه توطئه‌های قبلی به خاکستر نشاندند و در آینده هم، ملت با هدایت پروردگار در مقابله با هر حادثه‌ای، کار را تمام خواهد کرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین تلاش آمریکا برای بلعیدن ایران و ایستادگی ملت رشید در مقابل این طمع‌ورزی را علت اصلی تقابل ۴۷ ساله ایران و آمریکا برشمردند و با اشاره به حرف‌های اخیر آمریکایی‌ها، افزودند: آنها قبلاً هم برای ترساندن ملت ایران، می‌گفتند «همه گزینه‌ها روی میز است» و البته بدانند که اگر این بار جنگی راه بیندازند، «جنگی منطقه‌ای» خواهد شد.

ایشان در آغاز سخنان‌شان با اشاره به استقبال یکپارچه و بی‌ظنی مردم از امام خمینی (ره) در ۱۲ بهمن ۵۷، گفتند: امام در میان همه تهدیدات، با جرأت و قدرت وارد تهران شد و استقبال عظیم و عجیب مردم را به عاملی برای تشکیل نظامی نو تبدیل و همان روز ورود اسقاط حکومت پادشاهی را اعلام کرد.

رهبر انقلاب تبدیل حکومت فردی و استبدادی به حکومتی که مردم همه‌کاره آن هستند و تبدیل فرایند ضددینی مورد نظر پهلوی به فرایندی اسلامی را دو خصوصیت نظام برخاسته از مجاهدت‌های امام و ملت برشمردند و افزودند: اگر همه مسئولان به وظایف خود عمل می‌کردند، حکومت واقعاً دینی شده بود اما در مجموع در فرایند دینی و اسلامی پیشرفت کرده‌ایم.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برگرداندن کشور به صاحبانش -یعنی ملت- و قطع دست و نفوذ آمریکا از ایران را خصوصیت دیگر نظام جمهوری اسلامی دانستند و گفتند: این خصوصیت، آمریکا را ناراحت و دست‌پنجه‌گرد و از همان روز به دشمنی با ملت و نظام کشاند.

ایشان در تبیین ابعاد مردمی بودن حکومت به ایجاد روحیه خودباوری در ملت اشاره کردند و گفتند: امام حکیم، ملت را به توانایی‌های بزرگ و ارزش‌های خود، آگاه و روحیه «نمی‌توانیم» را به باور بسیار مهم «ما می‌توانیم» تبدیل کرد.

رهبر انقلاب نتیجه سیاست‌ها، خودباختگی و وابستگی قاجار و پهلوی را تبدیل ملتی «بزرگ و دارای سوابق تمدنی و فرهنگی درخشان» به مردمی «تحقیرشده و عقب‌افتاده» خواندند و گفتند: در آن دوران، در «علم و فناوری، سیاست، سبک زندگی، اعتبار بین‌المللی، معادلات منطقه‌ای» و در همه زمینه‌های دیگر، عقب‌افتاده شده بودیم اما امام خمینی، روح «اعتماد به نفس» را در ملت هدید و مسیر را ۱۸۰ درجه عوض کرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با یادآوری پیشرفت‌های کشور در زمینه‌های مختلف، افزودند: چه کسی باور می‌کرد ملت ایران روزی به جایی برسد که آمریکایی‌ها از سلاح ساخت او کپی برداری کنند؟ این‌ها همه نتیجه اعتماد به نفس و امید و بلندپروازی‌تی رئیس‌تصادیه واردکنندگان نهاده‌های دام و طیور است؛ شرکت پشتیبانی امور دام و سامانه بازرگانه، بلکه مقادیر زیادی مواد اولیه و خوراک به دامداران و مرغداران بدهکار هستند. در ماه‌های گذشته که کمبود نهاده بود، مرغداران کنگاله را با قیمت گران از بازار آزاد تهیه کردند و مرغ تولیدی را با قیمت مصوب به میادین دولتی تحویل دادند، اما اکنون که زمان جوجه‌ریزی مجدد است، دولت نه پول آن‌ها را می‌دهد و نه خوراک‌شان را تامین می‌کند. داود زنگی، رئیس اتحادیه واردکنندگان نهاده‌های دام و طیور ایران، با تشریح وضعیت نه‌چندان مناسب حاکم بر صنعت دام و طیور، به سیاست‌های جدید قیمتی دولت و چالش‌های ارزی اشاره کرد و افزود: وظیفه اصلی دولت افزایش درآمدهای ارزی از

ناتوانی تولیدکننده در تامین ریالِ ارز واردات؛ دولت طلب مرغدار را نمی‌دهد

دولت، شرکت پشتیبانی امور دام و سامانه بازرگانه، مقادیر زیادی مواد اولیه و خوراک به دامداران و مرغداران بدهکار شدیدی راه و احد‌های تولیدی تحمیل کرده و توان خرید مواد اولیه در سطح سابق را از تولیدکنندگان گرفته است؛ از سوی دیگر سیستم بانکی تدبیر اساسی برای حیران این خلأ نقدینگی نکرده است. تسهیلاتی که بانک کشاورزی ارائه می‌دهد، در خوش‌بینانه‌ترین حالت تنها ۳۰ تا ۳۵ درصد از نیاز واقعی بخش تولید دام و طیور را پوشش می‌دهد و کمبود نقدینگی در این بخش بسیار حاد است.

دولت بدهی خود به تجزیه‌تولید را بریزد
این فعال اقتصادی با بیان اینکه اولین گام حمایتی دولت باید پرداخت بدهی‌ها باشد، گفت: هم‌اکنون

وی افزود: طبق آنچه از وزیر جهاد کشاورزی شنیده‌ایم، قرار است تولیدکنندگان واردکنندگان باوزن‌تخته‌برسر قیمتی توافق کنند و کالا را بفروشند. این رویکرد دقیقاً این چرخه معیوب باید اصلاح شود.

سردرگمی تولیدکنندگان میان قیمت‌دستوری و قیمت ارشادی

رئیس اتحادیه واردکنندگان نهاده‌های دام و طیور با انتقاد از مطرح شدن کلیه‌واژه جدیدی به نام «قیمت ارشادی» توسط وزارت جهاد کشاورزی اظهار داشت: پیش از این اعلام شده بود که در تعاملات جدید ارزی، قیمت بر اساس مکانیسم عرضه و تقاضا تعیین می‌شود، اما اخیراً صحبت از «قیمت ارشادی» به میان آمده که ماهیت آن برای فعالان اقتصادی مبهم است.

زنگی با واا کاذب خود ۲۸۵۰۰ تومانی گفت: قیمت



حکمرانی ارزی بدون پاسخ‌گویی؛ وقتی اختیار متمرکز است و مسئولیت پراکنده

گزارش

اختیار و پاسخ‌گویی هستند.

اختیارهایی که مسئولیت می‌آورند

در فرآیند واردات، نقطه‌ای که تعهد واقعی شکل می‌گیرد، زمان تخصیص و تأمین ارز است. در این مرحله، تصمیم گرفته می‌شود که منابع محدود ارزی کشور در اختیار چه کسی، با چه شرایطی و با چه تضمین‌هایی قرار گیرد. کنترل ثی نفع واحد، بررسی سابقه رفع تعهد، اخذ وثایق وتوقف خدمات بانکی، همگی ابزارهایی هستند که در همین نقطه معنا پیدا می‌کنند.

وقتی این ابزارها در اختیار یک نهاد متمرکز است، انتظار طبیعی آن است که همان نهاد، کانون پاسخ‌گویی در برابر نتایج این تصمیمات نیز باشد. اما تجربه عملی نشان می‌دهد که این پیوند، در بسیاری از موارد قطع شده‌است.

پاسخ‌گویی گمشده در پرونده‌های ارزی

در پرونده‌های بزرگ ارزی، پرسش‌هایی اساسی معمولاًیی پاسخ می‌ماند: چرا تخصیص ارز بدون تضمین کافی انجام شده است؟

چرا با رسیدن عدم ایفای تعهد به حد آستانه، خدمات بانکی متوقف نشده است؟ چرا وثایق نتوانسته خسارت

منابع ارزی را پوشش دهد؟

غیبت پاسخ‌روشن به این پرسش‌ها، نشان می‌دهد که مشکل تنها در پاسخ تضمین‌هایی قرار نیست، بلکه در ساختار پاسخ‌گویی نهادی نهفته است؛ ساختاری که در آن، تمرکز اختیار الزاماً به تمرکز مسئولیت منجر نشده‌است.

جاه‌جایی مسئولیت؛ راه‌حلی کوتاه‌مدت

در چنین فضایی، انتقال بار مسئولیت به نهاد‌های دیگر، به‌ویژه دستگاه‌های اجرایی بخصی، به یک

اخبار ۳

راه‌حل کوتاه‌مدت تبدیل می‌شود. وقتی نگاه‌ها از نقطه تخصیص ارز منحرف می‌شود، توجه افکار عمومی به مراحل مقدماتی یا مجوزهای اداری جلب می‌گردد؛ مرحله‌ی که اگرچه قابل روایت رسانه‌ای هستند، اما نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت منابع ارزی ندارند.

این جابه‌جایی، شاید فشار کوتاه‌مدت را کاهش دهد، اما در بلندمدت، به تصعیف حکمرانی ارزی و تداوم خط‌های ساختاری می‌انجامد.

اثرات اقتصادی فقدان پاسخ‌گویی

فقدان پاسخ‌گویی نهادی در حکمرانی ارزی، تنهایک مسئله اداری یا حقوقی نیست؛ پیامد‌های اقتصادی مستقیمی دارد. تخصیص ناکارآمد ارز، افزایش ریسک فعالیت رسمی، وی بی‌ثباتی انتظارات فعالان اقتصادی، همگی از نتایج چنین ساختاری هستند. در این شرایط، سیاست‌گذار صنعتی نمی‌تواند با اطمینان برنامه‌ریزی کند و فعال اقتصادی نیز نمی‌داند تصمیم امروز او، فردا به چه هزینه‌ای تبدیل خواهد شد. نتیجه، کاهش سرمایه‌گذاری و گسترش رفتارهای غیررسمی است.

تناقض میان قدرت و پاسخ‌گویی

یکی از تناقض‌های بنیادین در حکمرانی ارزی کشور این است که هرچه اختیارات متمرکزتر شده، پاسخ‌گویی شفاف‌تر شده‌است. این عدم توازن، به‌تدریج اعتماد نهادی را فرسایش می‌دهد. در غیاب پاسخ‌گویی، هر اصلاح جدید با تردید مواجه می‌شود و هر سیاست تازه، در معرض بی‌اعتمادی قرار می‌گیرد. پرونده‌های ارزی، این‌جا آن‌که به فرصتی برای شفاف‌سازی این تناقض تبدیل شوند، اغلب به‌گونه‌ای مدیریت می‌شوند که خود تناقض پنهان بماند.

حکمرانی ارزی؛ نیازمند بازتعریف نهادی

اگر هدف، پیشگیری از تکرار پرونده‌های پرهزینه ارزی است، راه‌حل از مسیر تشدید برخورد‌های مقطعی نمی‌گذرد. مسئله اصلی، بازتعریف نسبت میان اختیار، مسئولیت و پاسخ‌گویی در حکمرانی ارزی است. تا زمانی که این سه ضلع هم‌راستا نشوند، هر پرونده جدید، صرفاً نشانه‌ای دیگری از یک مشکل حل‌نشده خواهد بود.

مسئله‌ای که نمی‌توان نادیده گرفت
بحث پرسر یک نهاد یا یک پرونده خاص نیست. مسئله، آینده حکمرانی ارزی کشور است. اگر نهادهای دارای اختیار، در برابر نتایج تصمیمات خود پاسخ‌گو نباشند، هزینه آن نه فقط در پرونده‌های قضایی، بلکه در عملکر کل اقتصاد نمایان خواهد شد.

مدیریت شکاف نرخ‌ها؛ پیش‌شرط ثبات در بازار ارز

در اقتصادی با بازار پرداخت‌های شکننده، مدیریت شکاف نرخ ارز اهمیت بیشتری از تک‌نرخ شدن دارد، زیرا هر شوک بیرونی می‌تواند به‌سرعت این فاصله را به منبع بی‌ثباتی تبدیل کند.

در مسائل اخیر سیاست‌سازی ارزی به‌ویکی از حساس‌ترین و مناقشه‌برانگیزترین حوزه‌های حکمرانی اقتصادی ایران تبدیل شده است: حوزه‌ای که در آن از یک سو افزایش مداوم و مستمر قیمت ارز در کنار شوک‌های ارزی مستقیم‌ا بر جیب مردم و توان خرید آن‌ها فشار وارد می‌کند و از طرف دیگر شکاف میان «نرخ رسمی» و «بازار آزاد» به‌سرعت به تغییر رفتار فعالان اقتصادی در بازگشت ارز صادراتی منجر می‌شود.

در همین چارچوب محمود تولایی، رئیس کمیسیون مالیات، کار و تأمین اجتماعی اتاق بازرگانی به نکته‌ای کلیدی اشاره کرد که هم‌می‌تواند نشان‌دهنده دستاورد‌های فعلی و هم هشدار برای آینده باشد. او می‌گوید که تا پیش از ادغام تالارهای ارزی در مرکز مبادله صادرکنندگان بزرگ ارز حاصل از صادرات را عرضه نمی‌کردند و منتظر می‌ماندند تا فاصله قیمتی از مقررون به صرفه باشد و این روش به دولت در اجرای سیاست‌های ارزی فشار وارد می‌کردند.

نکته مهم این سخنان این است که تا پیش از ادغام تالارهای مرکز مبادله عموم‌العضای اتاق بازرگانی در اکثر مصاحبه‌های رسانه‌ای تأکید بر بازگشت از وی‌ا تا اخیر کوتاه‌مدت به دلایل مشکلات موجود در نظام بانکی و ارتباطات با سایر کشورها داشتند و کمتر علناً به عدم بازگشت ارز خود به دلیل شکاف نرخ‌ها اشاره می‌کردند.

خطر بازتولید چرخه قبلمی با اولین شوک ارزی

این موضوع به‌ویژه در مورد ارز پتروشیمی‌ها و فولادی‌ها که موظف بودند ارز خود را در تالار اول عرضه کنند بیش‌تر به چشم می‌خورد؛ چراکه معمولاً در برابر کسانی که از عدم بازگشت ارز این گروه‌ها صحبت می‌کردند قاطعانه از بازگشت ارز دفاع می‌کردند.

اما مسئله‌ای که در حال حاضر اهمیت دارد این است که حتی با یکپارچه‌سازی تالارهای ارزی و کاهش شکاف اسمی نرخ‌ها، خطر بازتولید همان چرخه قبلمی همچنان وجود دارد. به‌ویژه در اقتصادی با ساختار تراز پرداخت‌ها شکننده است و درآمد‌های ارزی تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار دارد. در این شرایط هر شوک جدید می‌تواند بار دیگر نرخ بازار آزاد را جلوتر از نرخ‌های رسمی حرکت دهد و اگر سیاست‌گذار ارزی نتواند هم‌زمان نرخ‌های رسمی را متناسب با بازار آزاد تعدیل کند، انگیزه تعویق در عرضه ارز دوباره فعال می‌شود.

انگیزه دیگر افزایش بی‌حدود حصر قیمت بازار آزاد بدون مدیریت بانک مرکزی دست بانگ مرکزی را برآی تعدیل می‌بندد؛ چراکه افزایش بیش از اندازه نرخ ارز در بازار آزاد، به‌سرعت به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها منتقل می‌شود، تورم انتظاری را تشدید می‌کند و هزینه تأمین کالاهای اساسی و تولیدی را بالا می‌برد؛ مسیری که در نهایت فشار مستقیم بر معیشت مردم وارد کرده و دامنه و انوار بانک مرکزی برای تعدیل تدریجی و هم‌کرنه نرخ‌ها را به شدت محدود می‌کند.

برخی اقتصاددانان بر این باورند که تک‌نرخ شدن ارز در معنای کلاسیک آن با شرایط فعلی اقتصاد ایران سازگار نیست. به اعتقاد آن‌ها، اصرار بر حذف کامل فاصله میان نرخ رسمی و آزاد بدون اصلاحات بنیادین در حوزه بودجه، تجارت خارجی و جریان سرمایه امکان‌پذیر نیست.

در همین زمینه مجید شاکری، اقتصاددان، تأکید دارد که اساساً وضعیت تعادلی اقتصاد ایران وضعیتی است که در آن فاصله‌ای پایدار میان نرخ رسمی و نرخ بازار آزاد وجود دارد و تلاش برای تک‌نرخ کردن ارز، نه مطلوب است و نه ممکن.



محدود و موقتی است و تداوم نخواهد داشت. اما ریسک دورنی بازار، دستکاری در مکانیسم‌هاست؛ مانند تغییر دامنه نوسان یا افزایش حجم مینا. اخیراً مشاهده شده حتی در بازارهای پایه که حجم مینا نداشتند، تغییراتی اعمال شده تا به صورت مصنوعی از افت قیمت پایانی جلوگیری شود.

بودجه، ضعف دولت و تهدید سود شرکت‌ها

این کارشناس بازار سرمایه با اشاره به لایحه بودجه سال آینده تصریح کرد: حذف ارز یارانه‌ای برای کلیه کالاها (شاید به‌جز کالاهای اساسی) نشان‌دهنده قرار گرفتن دولت در نقطه ضعف شدید مالی است. وقتی دولت به عنوان بزرگ‌ترین بازیگر اقتصادی ضعیف شود، طبیعتاً به سایر طرف‌های خود ازجمله صندوق‌های بانزنسنگی، بانک‌ها و پیمانکاران فشار

می‌آورد و ممکن است مجبور شود به سود صنایع دستی ببرد. وی افزود: در بازاری که ذهنیت فروش شکل گرفته، حتی اگر نسبت P/E (قیمت به درآمد) شرکت‌ها جذاب به نظر برسد، ابهامات موجود قابلیت محاسبه کارشناسی را ضعیف می‌کند. به عنوان مثال، شرکت‌های بالاینی در گزارش‌های آرز آور داد. رشد قابل توجهی در سود ناووزه، عملیاتی و خالص نسبت به دوره مشابه سال قبل داشته‌اند، اما ابهام در تداوم این سودسازی، آینده را مخدوش کرده‌است.

تاثیر حضور ناوگان آمریکا بر صادرات شرکت‌ها

آقایزرگی در تشریح ریسک‌های غیراقتصادی بر صنایع گفت: یکی از مفرضات نگران‌کننده، استقرار ناوگان آمریکا در خلیج فارس و دریای عمان است. این منطقه گذرگاه اصلی مبادلات کالایی، صادرات فرآورده‌های پتروشیمی و پلیاستی و مواد اولیه و افزودنی‌های مورد نیاز صنایع است. وی تأکید کرد: در بازار سرمایه «آینده» معامله می‌شود و این حضور نظامی، آینده تبادلات تجاری را با ابهام مواجه کرده‌است. بنابراین نمی‌توان صرفاً با اتکا به فرمول‌های آکادمیک و P/E پایین فعلی قضاوت کرد؛ چراکه ممکن است شرکت‌ها در

یک کارشناس ارشد بازار سرمایه عنوان کرد که ریزش بورس طبیعی است و خیلی به ریسک‌های سیاسی ارتباط ندارد.

فردین آقابزرگی، کارشناس ارشد بازار سرمایه در خصوص وضعیت این روزهای بازار سهام و واگرایی میان شاخص‌ها اظهار داشت: در حال حاضر شاهد هستیم که افت شاخص «هم‌وزن» نسبت به شاخص کل بسیار بیشتر است و این شاخص پیشی گرفته‌است.

وی افزود: دلیل این امر آن است که شاخص کل معمولاً در گذشته توسط نمادهای پر وزن و شاخص ساز کنترل می‌شد؛ بنابراین در روند‌های صعودی و نزولی همواره یک واگرایی بین این دو نمادگر وجود داشت. اما وضعیت فعلی شاخص هم‌وزن نشان می‌دهد که سطح عمومی قیمت‌ها بسیار بیشتر از آنچه شاخص کل نشان می‌دهد، افت کرده و ریزش در بازار فراگیرتر است. وی با بیان اینکه روند فعلی بازار کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد، افزود: به اعتقاد من بیش از ۵۰ درصد از دلایل ریزش بازار مربوط به مؤلفه‌های اقتصادی است و کمتر از ۵۰ درصد آن به ریسک‌های ژئوپلیتیک، تحولات منطقه، تهدیدهای متقابل ایران و طرف‌های غربی (آمریکا و اسرائیل) بازمی‌گردد. اگرچه این تنش‌ها سرمایه‌رادر تمامی بازارها با چالش مواجه کرده‌است، اما بورس به دلیل شفافیت و نقدشوندگی بالا، این تأثیرات را سریع‌تر و در قالب تغییر قیمت‌ها نشان می‌دهد.

ریسک تصمیمات سازمان بورس و مقام ناظر

آقایزرگی یکی از نگرانی‌های جدی فعالان بازار را ریسک‌های مرتبط با نهاد ناظر دانست و گفت: سوابقی مانند تعطیلی بورس در جریان جنگ ۱۱روزه باعث شده تا این نگرانی وجود داشته باشد که در صورت بروز با تداوم جنگ، سازمان بورس ممکن است با ایجاد محدودیت‌ها یا تعطیلی بازار، دخل و تصرفاتی در روند معاملات ایجاد کند.

وی ادامه داد: تلاش برای آرایش ظاهری فضا و کنترل شاخص‌ها از طریق تزریق منابع مالی (توسط صندوق‌های توسعه و تثبیت)

اخبار ۳



اعتبارات محرومیت‌زدایی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵

📌 مرکز پژوهش‌های مجلس طی گزارشی به بررسی اعتبارات محرومیت‌زدایی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ کل کشور پرداخت.

به گزارش روابط عمومی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات بخش عمومی این مرکز در گزارش «بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ کل کشور (۹): اعتبارات محرومیت‌زدایی» آورده که براساس اصل ۴۸ قانون اساسی، در توزیع منابع عمومی میان استان‌ها باید دو عامل نیاز و استعداد رشد، مورد دقت قرار گیرد. نرخ محرومیت دسترسی خانوارها به عموم امکانات و خدمات پایه در کلیه مناطق کشور در دهه‌های گذشته به شدت کاهش یافته‌است. در این گزارش تصریح شد که کاهش محرومیت در بازه سال‌های ۱۳۶۳ الی ۱۴۰۲ در مناطق روستایی کشور اینطور بوده است که نرخ محرومیت از دسترسی به شبکه برق از ۴۲ درصد به صفر، نرخ محرومیت از دسترسی به گاز لوله‌کشی از ۹۹.۷ درصد به ۱۹ درصد، نرخ محرومیت از دسترسی به آب لوله‌کشی از ۵۵ درصد به ۳.۵ درصد و نرخ محرومیت از دسترسی به سرویس حمام از ۹۱.۶ درصد به ۳.۷ درصد رسیده‌است. مشاهده سطوحی از محرومیت شدید در برخی مناطق کشور در کنار دستاوردهای قابل توجه محرومیت‌زدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حاکی از وجود چالش‌هایی در سیاستگذاری محرومیت‌زدایی است.

در این گزارش بیان شد که در حال حاضر ۲۲۴ پروژه محرومیت‌زدایی نیمه‌تمام در کل کشور وجود دارد که از این تعداد، ۱۲۵۲ پروژه مربوط به احداث و تکمیل مدارس روستایی، ۶۴۴ پروژه مربوط به راه روستایی، ۱۳۲ پروژه آب‌چینداری و ۳۰۵ پروژه احداث و تکمیل خانه بهداشت روستایی است. در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵، در مجموع ۲۱ هزار میلیارد تومان برای فعالیت‌های محرومیت‌زدایی در نظر گرفته شده که نسبت به قانون بودجه ۱۴۰۴ رشد حدود ۲۱ درصدی داشته‌است. بااین حال، عملکرد بودجه در سال‌های گذشته نشان می‌دهد که میزان تخصیص این اعتبارات معمولاً کمتر از ۵۰ درصد بوده‌است. در نظر گرفتن منابع کافی موضوع بند (ت) ماده (۳۲) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (دوسوم سه درصد صادرات نفت و گاز سهم مناطق محروم) و قانون استفاده متوازن از امکانات کشور برای ارتقاء سطح مناطق کمتر توسعه‌یافته در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ نقطه قوت این لایحه در حوزه محرومیت‌زدایی است. در این‌باره این گزارش مرکز پژوهش‌ها آمد که نرخ محرومیت دسترسی خانوارها به عموم امکانات و خدمات پایه در کلیه مناطق کشور در دهه‌های گذشته به شدت کاهش یافته‌است. به عنوان نمونه کاهش محرومیت در بازه سال‌های ۱۳۶۳ الی ۱۴۰۲ در مناطق روستایی کشور اینطور بوده‌است که نرخ محرومیت از دسترسی به شبکه برق از ۴۲ درصد به صفر، نرخ محرومیت از دسترسی به گاز لوله‌کشی از ۹۹.۷ درصد به ۱۹ درصد، نرخ محرومیت از دسترسی به آب لوله‌کشی از ۵۵ درصد به ۳.۵ درصد و نرخ محرومیت از دسترسی به سرویس حمام از ۹۱.۶ درصد به ۳.۷ درصد رسیده‌است.

بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که در حال حاضر حدوداً درصد از جمعیت کشور همچنان در سطح شدیدی از محرومیت به سر می‌برند. مشاهده این وضعیت در کنار دستاوردهای قابل توجه محرومیت‌زدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حاکی از وجود چالش‌هایی در برنامه‌ریزی محرومیت‌زدایی است.

در ادامه یافته‌های این گزارش نهاد پژوهشی آمده که تسری بخشی عنوان مناطق محروم (کمتر توسعه‌یافته) به بخش عمده‌ای از مناطق کشور در کنار کاهش شدید نرخ محرومیت در بسیاری از شاخص‌ها در گذر زمان به وضوح نشان می‌دهد که در دهه‌های گذشته فرآیند برنامه‌ریزی برای محرومیت‌زدایی مجزا از واقعیت‌های رقم خورده در عرصه محرومیت‌زدایی انجام پذیرفته‌است. در حال حاضر ۲۲۴ پروژه محرومیت‌زدایی نیمه‌تمام در کل کشور وجود دارد که از این تعداد، ۱۳۵۲ پروژه مربوط به احداث و تکمیل مدارس روستایی، ۶۴۴ پروژه مربوط به راه روستایی، ۱۳۲ پروژه آب‌چینداری و ۳۰۵ پروژه احداث و تکمیل خانه بهداشت روستایی است. مجموعه این پروژه‌ها به طور متوسط بیش از ۶۷ درصد پیشرفت فیزیکی داشته‌اند که در این میان بیشترین پیشرفت مربوط به پروژه‌های آب‌چینداری با بیش از ۹۴ درصد، پس از آن پروژه‌های مدارس روستایی با بیش از ۸۲ درصد، سپس پروژه‌های خانه بهداشت روستایی با حدود ۴۴ درصد و در نهایت طرح‌های راه روستایی با ۲۵ درصد پیشرفت گزارش شده‌است.

در ادامه این گزارش آمده که بررسی پراکندگی جغرافیایی پروژه‌های نیمه‌تمام محرومیت‌زدایی حاکی از آن است که خوزستان با ۲۶۵، سیستان و بلوچستان با ۱۹۶ و خراسان رضوی با ۱۵۶ پروژه دارای بیشترین پروژه‌های محرومیت‌زدایی کشور و البرز با ۲۶، همدان با ۱۸ و قم با ۱۴ پروژه دارای کمترین پروژه‌های محرومیت‌زدایی هستند. از مجموع ۱۳۵۲ پروژه نیمه‌تمام مدارس روستایی، استان خوزستان با ۲۲۸ پروژه، فارس با ۸۹۶ پروژه، خراسان رضوی با ۷۸ پروژه، آذربایجان شرقی با ۶۴ پروژه، سیستان و بلوچستان با ۵۹۶ و خراسان جنوبی با ۵۸۱ پروژه بیش از ۴۰ درصد پروژه‌های این بخش را به خود اختصاص داده‌اند. در مجموع ۶۲۴ پروژه نیمه‌تمام در حوزه راه روستایی باقی مانده که انواع پروژه‌های احداث، پیساز، تعریض، زیرسازی و آسفالت‌سازی را شامل می‌گردد. حجم کلی این طرح‌ها ۶۷۸۵ کیلومتر برنامه‌ریزی شده که تاکنون ۱۷۰۰ کیلومتر از آن اجرا گردیده‌است.

در این گزارش گفته شده که ۱۳۳ پروژه آب‌چینداری در ۱۱۳ استان کشور توزیع شده و از مجموع ظرفیت ۴ میلیون و ۲۶۸ هزار مترمکعب حدوداً ۱ میلیون و ۳۴۴ هزار مترمکعب تا پایان سال ۱۴۰۰ به اجرا درآمده‌است. مساحت فضای بهداشتی برنامه‌ریزی شده در ۳۰ پروژه نیمه‌تمام خانه بهداشت روستایی بالغ بر ۲۹ هزار مترمربع است و سه استان سمنان، نهران و کرمانشاه با ۹۷، ۹۰ و ۸۴ درصد بیشترین و استان‌های آذربایجان شرقی، اصفهان و گیلان با ۱۲.۱۰ و ۱۸ درصد کمترین پیشرفت را داشته‌اند.

در ادامه این گزارش نهاد پژوهشی عنوان شده که اعتبارات محرومیت‌زدایی در لایحه بودجه ۱۴۰۵ بالغ بر ۲۱ هزار میلیارد تومان است که نسبت به رقم مصوب در قانون بودجه ۱۴۰۴ (۲۱)۱۱ درصد افزایش همراه بوده‌است. حجم این اعتبارات در مقایسه با عملکرد مالی پروژه‌های نیمه‌تمام محرومیت‌زدایی اختلاف قابل توجهی دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۰ حدود ۴۰۷ هزار میلیارد تومان از محل منابع هدفمندسازی یارانه‌ها به پروژه‌های محرومیت‌زدایی اختصاص یافت که از این میان بیش از ۵۵ درصد این اعتبارات صرف احداث و تکمیل مدارس روستایی گردید و ۲۵ درصد آن نیز جهت تکمیل راه‌های روستایی هزینه‌شد. پرداخت‌های صورت گرفته در سال ۱۴۰۱ حدود ۲۰۳ هزار میلیارد تومان بوده‌است. وضعیت پرداخت‌ها به این پروژه‌ها در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ نیز تا زمان نگارش این گزارش در دسترس قرار نگرفته‌است.



درآمدهای مالیاتی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ کل کشور

📌 مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی به بررسی درآمدهای مالیاتی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ کل کشور پرداخت.

به گزارش روابط عمومی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات بخش عمومی این مرکز در گزارش «بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ کل کشور؛ درآمدهای مالیاتی» آورده که در این گزارش، به بررسی الزامات مالیاتی و اعداد مالیاتی جداول لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ پرداخته می‌شود. در لایحه، مجموع درآمدهای مالیاتی و گمرکی برابر ۲۹۶۱ هزار میلیارد تومان است که نسبت به سال ۱۴۰۴، حدود ۴۲٪ افزایش یافته است.

در ادامه عنوان شده که با کنار گذاشتن مالیات بر واردات، مجموع مالیات‌های مستقیم و مالیات بر کالاها و خدمات ۲۷۲۰ هزار میلیارد تومان است. نسبت به سال ۱۴۰۴، این عدد ۵٪+ تغییر دارد. در این گزارش گفته شده که در لایحه، چند اصلاح قانونی نسبت به سال پیش از آن اتفاق افتاده است. اعمال سقف برای معافیت‌های مالیاتی، قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها و افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده از ۱۰٪ به ۱۲٪ مهم‌ترین اصلاح‌ها هستند. بعضی اصلاح‌ها هم از نظر درآمدی تأثیر منفی دارند، اگر تغییرات درآمدها در نتیجه اصلاح‌ها کنار بگذاریم، نسبت به سال ۱۴۰۴، مجموع مالیات‌های مستقیم و مالیات بر کالاها و خدمات تنها ۲۴٪ رشد داشته است. این نشان می‌دهد در مقایسه با پیش‌بینی سطح اسمی اقتصاد، هسته اصلی درآمد‌ها رشد بسیار کمی دارد. در بخش دیگری از گزارش مرکز پژوهش‌ها آمده که در سمت دیگر، سهم درآمد‌های مالیاتی از کل منابع عمومی ۵۷٪ و از هزینه‌های جاری ۷۴٪ است. پیش‌بینی می‌شود نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی (۵.۹٪) باشد که نسبت به سال ۱۴۰۴ اندکی کاهش یافته است و همچنان از حوالی سال‌های ۱۳۹۵ (۶.۵٪) و هدف کمی برنامه هفتم در سال ۱۴۰۵ (۷.۴٪) کمتر است. هم‌چنین بر اساس اسناد پشتیبان لایحه بودجه سال ۱۴۰۵، مجموع درآمد‌های از دست‌رفته دولت به واسطه معافیت‌ها و بخشودگی‌های مالیاتی در سال ۱۴۰۵ برابر ۲۹۸۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. در نهایت، اصلاح معافیت‌های مالیاتی، حرکت به سمت مالیات بر ثروت، تصویب مالیات بر مجموع درآمد و ادغام فرآیند وصول حق بیمه و مالیات حقوق در سال ۱۴۰۵ مهم‌ترین پیشنهادها در گزارش هستند.

در بخش یافته‌های کلیدی این گزارش هم عنوان شده که در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵، مجموع درآمد‌های مالیاتی با افزایش اسمی تولید رشد بدهیم، مجموع مالیات‌های مستقیم و مالیات بر کالاها و خدمات باید به ۳۰۱۲۷ هزار میلیارد تومان برسد. در این گزارش گفته شده که سهم درآمدهای مالیاتی از مجموع منابع عمومی دولت ۵۷٪ و از هزینه‌های جاری ۷۴٪ است. این واقعیت یکی از امتیازهای لایحه محسوب می‌شود.

در بخش دیگری از گزارش مرکز پژوهش‌ها آمده که نسبت مجموع درآمد‌های مالیاتی به تولید ناخالص داخلی طبق لایحه بودجه ۱۴۰۵ برابر ۵.۹٪ است. میانگین تلاش سازمان در جهت افزایش درآمد‌های مالیاتی در سال‌های اخیر، سالانه ۰.۶٪ افزایش نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی بوده است به طوری که این نسبت از ۲.۸٪ در سال ۱۴۰۰ به ۶٪ در قانون بودجه سال ۱۴۰۴ رسید. در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ این شاخص نسبت به سال ۱۴۰۴ اندکی کاهش یافته است و همچنان از حوالی سال‌های ۱۳۹۵ (۶.۵٪) و هدف کمی برنامه هفتم در سال ۱۴۰۵ (۷.۴٪) کمتر است که این امر تقض صدر اصل ۵۲ قانون اساسی به نظر می‌رسد. جهت دست‌یابی به هدف کمی برنامه هفتم باید مجموع درآمد‌های مالیاتی و گمرکی در سال آینده ۲۷۱۹ میلیارد تومان باشد.

در این گزارش گفته شده که مالیات اشخاص حقوقی با ۱۸۳۳ هزار میلیارد تومان، نسبت به مجموع سال ۱۴۰۴ حدود ۴۶٪ تغییر داشته است. گفتنی است کاهش

۵ واحدی نرخ شرکت‌های تولیدی در لایحه بودجه ۱۴۰۵ وجود ندارد.

در این گزارش بیان شده که مالیات بر درآمدها در سال آینده ۴۴۶ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده که ۴۰٪ افزایش داشته است. در ادامه تصریح شده که مالیات مشاغل در سال پیش رو ۳۷٪+ تغییر خواهد داشت و بسیار کمتر از مالیات حقوق در نظر گرفته شده است. این میزان افزایش، کمتر از میزان پیش‌بینی شده از رشد اسمی اقتصاد است. بخشی از فرارهای مالیاتی مربوط به بخش مشاغل است و این درآمدی می‌تواند از طریق اجرای کامل قانون سامانه موزیان و پایانه‌های فروشگاهی، شناسایی درآمدها و کنترل فرارهای مالیاتی صاحبان مشاغل، به میزان بیشتری افزایش یابد. در گزارش مرکز پژوهش‌ها آمده که مالیات بر حقوق کارکنان در مجموع نزدیک به ۵۷٪ از مالیات بر درآمدها را پوشش می‌دهد. مالیات بر حقوق کارکنان بخش عمومی ۱٪+ و مالیات بر حقوق کارکنان بخش خصوصی ۶۴٪+ رشد داشته است. در این گزارش گفته شده که مالیات بر ثروت با ۱۰۳ هزار میلیارد تومان ۹۰٪+ افزایش داشته است. علت اصلی این رشد چشمگیر مربوط به افزایش قابل توجه نرخ‌های رتالی حق تمبر و اوراق پیمانار در سال‌های منته بهیات وزیران در تاریخ ۱۴۰۹ است. در سال ۱۴۰۵ احکام مالیات خانه‌ها و خودروهای گران قیمت در جدول الزامات نیامده است و در ریف‌ها مالیات خودروهای گران قیمت صفر در نظر گرفته شده و مالیات خانه‌های گران قیمت (مربوط به وصول مالیات‌های سال‌های قبل) ۷۰۰ میلیارد تومان در نظر گرفته شده و مالیات خانه‌های خالی ۵۶٪+ کاهش یافته است و ۲۰۰ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است. در ادامه عنوان شده که پیش‌بینی مالیات بر واردات با ۲۳۱۶ هزار میلیارد تومان نسبت به مصوب سال گذشته ۱۲٪+ کاهش داشته است. در این گزارش گفته شده که مالیات بر کالاها و خدمات ۹۹۷ هزار میلیارد تومان، نسبت به مصوب سال پیش ۵۷٪+ تغییر داشته است. لازم به ذکر است رشد این پایه مالیاتی، همراه با افزایش دو واحد درصدی نرخ مالیات بر ارزش افزوده صورت گرفته و در صورتی که این افزایش کنار گذاشته شود، صرفاً ۳٪+ رشد نسبت به مصوب سال ۱۴۰۴ داشته است که بسیار کمتر از رشد اسمی اقتصاد است در صورتی که این پایه ارتباط بسیار زیادی با رشد اسمی اقتصاد دارد.

■ **دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۴** ■ ۱۳ شعبان ۱۴۴۷ ■ February ۲ ۲۰۲۶ ■ سال دوم ■ شماره ۳۹۰

■ **چاپخانه:** نگار نقش ■ **تلفن:** ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ **روابط عمومی:** ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹ ■ **مدیر مسئول:** مهدی مهرپور ■ **کد پستی:** ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸ ■ **آدرس:** خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶



چرا خریدهای شتاب‌زده طلا و ارز، بیشتر زیان‌آورند تا حافظ ارزش سرمایه؟

گزارش

📌 در روزهای پر تنش اقتصادی، هجوم مردم به خرید طلا و ارز برای حفظ دارایی، اغلب به رفتار هیجانی می‌انجامد که نه‌تنها سرمایه‌ها را محافظت نمی‌کند، بلکه زیان را تشدید می‌کند. در روزهایی که بازارها پر تنش‌اند و خیره‌های اقتصادی بوی نااطمینانی می‌دهند، بسیاری از مردم برای حفظ دارایی‌هایشان به خرید طلا، ارز یا سکه روی می‌آوردند. اما تجربه‌های سال‌های اخیر نشان داده این رفتار هیجانی نه‌تنها از دارایی محافظت نمی‌کند، بلکه به واسطه شکل‌گیری موج‌های خرید شتاب‌زده، خود به عاملی برای تشدید نوسان و زیان تبدیل می‌شود. مردم اغلب در نقطه اوج قیمت وارد بازاری می‌شوند، جایی که احتمال افت شدید و ضرر بسیار زیاد است.

موج‌های هیجان: از ترس به تصمیم اقتصادی اشتباه

در اقتصادهایی که نوسان بالا و نرخ بهره واقعی منفی است، نگرانی از کاهش ارزش پول ملی طبیعی است. وقتی مردم احساس کنند قدرت خریدشان کاهش می‌یابد، میل به تبدیل ریال به دارایی‌های فیزیکی افزایش پیدا می‌کند. این میل در ذات خود منطقی است، اما به محض غلبه هیجان و ترس، تبدیل به رفتار جمعی غیرعقلانی می‌شود. در چنین موقعیتی، یک خبر غیررسمی یا شایعه کوچک درباره احتمال افزایش قیمت ارز کافی است تا صف‌های خرید در مقابل صرافی‌ها شکل گیرد. رفتار جمعی در این لحظه نه بر پایه تحلیل واقعیت‌های اقتصادی، بلکه بر اساس غریزه صیانت از ارزش دارایی عمل می‌کند؛ غریزه‌ای که غالباً مردم را در دام قله قیمتی گرفتار می‌سازد. آنها ریال خود را درست‌زمنانه به دلار یا طلا تبدیل می‌کنند که قیمت‌ها در اوج است و احتمال اصلاح بازار بسیار بالاست.

سعید نادری، تحلیلگر بازار سرمایه معتقد است مردم تصور می‌کنند خرید ارز یا طلا بهترین راه حفاظت از دارایی است، اما واقعیت این است که نقطه اوج قیمت دقیقاً زمانی است که تقاضای احساسی به بیشترین مقدار می‌رسد. در نتیجه، بخش بزرگی از مردم به جای حفظ

ارزش، دارایی خود را در بالاترین نرخ ممکن تبدیل می‌کنند و بعد از فروکش هیجان، با افت شدید قیمت مواجه می‌شوند.

این پدیده در سال‌های مختلف بارها تکرار شده است. از دوره جهش ارزی سال ۱۳۹۷ تا افزایش‌های اخیر در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲، بسیاری از خریداران خرد با نیت دفاع از ارزش سرمایه وارد بازار شدند، اما در کمترین زمان چند ماه ارزش دارایی‌شان کاهش یافت. نمودار رفتار این گروه‌ها نشان می‌دهد موج هیجانی مردم معمولاً با قله‌های نرخ ارز و طلا هم‌زمان است.

نوسان‌سازی رفتاری؛ چگونه تقاضای احساسی خودش محرک قیمت‌های خود

رفتار هیجانی تنها به زیان فردی محدود نمی‌ماند؛ بلکه به دلیل اثر جمعی، روی رفتار بازار نیز تأثیر مستقیم می‌گذارد. در شرایطی که

تعداد زیادی از خریداران خرد بدون تحلیل، به شکل یک موج از تقاضا وارد بازار می‌شوند، قیمت به واسطه همین رفتار بالا می‌رود. بازار از ناآگاهی طلا در اقتصاد ایران عمق زیادی ندارد؛ یعنی حجم معاملات نسبت به تعداد خریداران محدود است و هر شوک تقاضای می‌تواند قیمت‌را از چند پله افزایش دهد.

به همین دلیل، رفتار جمعی مردم خود به محرک افزایش قیمت تبدیل می‌شود. افزایش قیمت، خریساز می‌گردد و همین خبر، انگیزه تازه‌ای برای گروه تازه‌ای از مردم ایجاد می‌کند تا وارد شوند.

این ترتیب، چرخه‌ای از ترس، ورود، افزایش قیمت، و ترس دوباره شکل می‌گیرد. این چرخه در اقتصاددانان امرابییچ لانتزهارت هیجانی» می‌نامند: پدیده‌ای که هم باعث بی‌ثباتی بازارهای خرد می‌شود و هم



فشار بیشتری بر سایر قلمروهای اقتصادی (مانند بازار کالا، خدمات و مسکن) وارد می‌کند. در مقابل، زمانی که این موج فروکش می‌کند، همان خریداران هیجانی به اولین فروشندگان تبدیل می‌شوند. آنها که با ترس خرید کرده‌اند، در لحظه کاهش قیمت با ترس از زیان بیشتر اقدام به فروش می‌کنند. بدین ترتیب رفتار هیجانی مردم هم در صعود و هم در سقوط بازار نقش دارد: در صعود محرک افزایش قیمت و در سقوط عامل تشدید افت. در این میان، بازیگران حرفه‌ای بازار که آموزش دیده‌اند تا نوسان‌ها را به نفع خود استفاده کنند، از همین رفتار جمعی بهره‌ی می‌برند. به گفته سعید نادری، فعالان بزرگ بازار معمولاً پیش از شکل‌گیری موج هیجانی وارد می‌شوند، در اوج هیجان به مردم می‌فروشند و در نقطه‌ای که عموم از ترس می‌فروشند، مجدداً خرید می‌کنند. به این ترتیب، هیجان عمومی برای حرفه‌ای‌ها تبدیل به ابزار سودآوری می‌شود.

رواقع، این بخش از بازار مانند آینه‌ای عمل می‌کند که عدم آگاهی منتصمات لحظه‌ای اقشار عادی را منعکس کرده و به صورت نوسان‌های قیمتی باز می‌گرداند. هرچه دامنه هیجان گسترده‌تر باشد، شدت این نوسان‌ها نیز بیشتر می‌شود.

راه حفظ ارزش دارایی: تحلیل، تنوع، وصبر

اگر خرید هیجانی نمی‌تواند از دارایی می‌نامند: پدیده‌ای که هم باعث بی‌ثباتی بازارهای خرد می‌شود و هم

پاسخ در همان قواعد اقتصادی نهفته است که سال‌هاست توسط کارشناسان پیشنهاد می‌شود، اما کمتر در رفتار عمومی نمود دارد: تحلیل، تنوع و صبر. قرار دادن همه دارایی در یک نوع سرمایه یا کالا، همان قدر پرریسک است که نگهداری تمام پول نقد در حساب بدون سود. در شرایط تورمی، حفظ ارزش نیازمند نگاه ترکیبی به بازارهاست: ترکیبی از سپرده‌های بهره‌دار، سرمایه‌گذاری در خرید اوراق، صندوق‌های طلا، بخشی از ارز فیزیکی، و حتی سهام شرکت‌های تولیدی. چنین تنوعی باعث می‌شود نوسان یک بازار اثر شدید بر کل دارایی نگذارد. از سوی دیگر، خرید طلا یا ارز باید بر پایه تحلیل بنیادی و افق زمانی بلندمدت انجام شود، نه بر اساس واکنش به شایعه یا خبر کوتاه‌مدت. کسانی که در دوره‌های آرام‌با تحلیل وضعیت بود‌جه‌ای دولت و روند جهانی طلا خرید کرده‌اند، معمولاً سودآورتر از کسانی بوده‌اند که با موج خبر و ترس اقدام به تبدیل پول خود کرده‌اند.

رفتار حرفه‌ای در بازاری تنوعی توجه به واقعیت‌هایی مانند تفاوت نرخ جهانی طلا و ارزش ریال، روند رشد نقدینگی، و سیاست‌های پولی. اما رفتار عمومی معمولاً تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی بافت‌وگوهای روزمره شکل می‌گیرد. در این حالت، تصمیم اقتصادی به تصمیم جمعی بدون پشتوانه داده بدل می‌شود، تصمیمی که ریسک بالایی دارد و در نهایت سود قابل توجهی نصیب کسی نمی‌کند.

در این میان، سیاست‌گذاران نیز نقش مهمی دارند. هرچه دسترسی عمومی به داده‌های اقتصادی شفاف‌تر و آموزش مالی در سطح جامعه گسترده‌تر شود، دامنه رفتارهای هیجانی محدودتر و امکان ثبات بازارها بیشتر خواهد شد. رسانه‌ها نیز می‌توانند با انتشار تحلیل‌های مبتنی بر داده و برهیزر از تئیرهای هیجان‌زا، سهم قابل توجهی در کاهش رفتارهای احساسی داشته باشند.

نادری در بخش دیگری از گفت‌وگوی خود تأکید می‌کند: مردم باید یاد بگیرند که خرید دارایی مانند طلا یا ارز تصمیم سرمایه‌گذاری نیست، نه واکنش فوری به ترس. هنگامی که این تفاوت در ذهن جامعه روشن شود، بازارها از حالت روان‌ناپایدار خارج خواهند شد و عمق معاملاتی افزایش پیدا می‌کند.

هیجان دشمن تحلیل است

رفتار هیجانی مردم در مواجهه با بی‌ثباتی اقتصادی اگرچه طبیعی به نظر می‌رسد، اما نتیجه‌ای بهره‌رهنده دارد. موج‌های خرید احساسی، نه‌تنها از ارزش دارایی‌ها محافظت نمی‌کنند، بلکه خودزمنیته‌ساز جهش‌های قیمتی می‌شوند و نوسان را تشدید می‌کنند. در نهایت مردم در همان نقطه‌ای که بازار داغ‌تر از همیشه است، وارد می‌شوند و بعد از فروکش تب قیمت، شاهد افت ارزش دارایی خود خواهند بود.

اقتصاد نشان داده که ترس و هیجان، بدترین مشاور مالی‌اند. تنها تصمیم‌هایی که بر پایه صبر، تحلیل داده‌های واقعی و تنوع

دارایی می‌شوند، می‌توانند از ارزش سسرمایه در برابر تورم و نوسان محافظت کنند. تا زمانی که مردم به جای واکنش‌های احساسی، به ابزارهای تحلیلی و آموزش مالی مجهز نشوند، هر نوسان تازه در بازار می‌تواند یک چرخه کوتاه از سود برای حرفه‌ای‌ها و زیان برای عموم رقم بزند. در روزگار بحران، بهترین پناهگاه دارایی ذهن تحلیل‌گر و تصمیم‌مبتنی بر منطق است؛ نه ضغایات طولیل خرید هیجانی در صرافی‌ها و طلافروشی‌ها.

دردسره‌ای بیمه اجباری گندمزارها؛ از سهم دولت تا حق کشاورزان

باشد، گفت: در استان‌های مختلف به ویژه در اراضی دیم، خسارت ۱۰ درصدی داشتیم و این مسئله در اراضی آبی کمتر بود. وی افزود: همچنین باید این را نیز در نظر گرفت: پول نگه داشته شده برخی کشاورزان، باسختی حق بیمه گندم‌زار آنها نبود.

حق بیمه پرداخت شده، یکسوم غرامت پرداخت شده است

این مسئول دولتی با بیان این که برآورد غرامتی که امسال صندوق بیمه محصولات کشاورزی فقط برای گندم داشت، نزدیک به ۱۲ هزار است، یادآور شد: صندوق توانست فقط ۲.۲ همت حق بیمه دریافت کند اما تا امروز حدود ۶.۶ همت بابت خسارت گندم پرداخت کرده‌است. به گزارش خبرنگار مهر، صندوق بیمه محصولات کشاورزی برابر با اعتباری که دولت در قانون بودجه ۱۴۰۴ با مبلغ ۱۲ همتی که در نظر گرفته است، این عدد برای جبران خسارت تمام محصولات کشاورزی بوده در حالی‌که این مبلغ امسال فقط باید برای پرداخت خسارت گندم‌زارها لحاظ شود.

چرا سطح تعهد جبران خسارتات گندم‌زارها افزایش پیدا کرد

با یاختی در ادامه سخنان خود در خصوص موضوع بیمه گندم‌زارها کشور در سال زراعی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ به چالش دوم اشاره کرد و گفت: سطح تعهد صندوق بیمه محصولات کشاورزی در گندم ۳ میلیون تومان بود؛ یعنی اگر یک هکتار گندم دیم دچار خسارت ۱۰ درصدی می‌شد صندوق در نهایت می‌توانست ۳ میلیون تومان به عنوان جبران خسارت پرداخت کند؛ البته این رقم برای گندم‌زارهای آبی ۱ میلیون تومان بود. قائم‌مقام صندوق بیمه محصولات کشاورزی با اشاره به کمیته‌فی صندوق و مشخص کردن سهم هر بخش کشاورزی از ۱۲ همت اعتبار دیده شده در بودجه ۱۴۰۴ اظهار کرد: امسال ما در صندوق تقریباً بیش از ۴ همت از منابع رفاهت برای گندم در نظر گرفتیم. سال گذشته هم، چنین نسبتی برای حوزه کشت گندم در نظر گرفته شد. بود. اما ممکن است برشش شود چرانی توان پیش از این مقدار، تعهد در نظر گرفت؟

عامل مهم و اساسی در حوزه بیمه محصولات کشاورزی، ضرب خطر است که سطح تعهد، حق بیمه و... را تعیین می‌کند. طی سال گذشته میانگین ضریب خطر در گندم دیم نزدیک به ۲۷ درصد و گندم آبی نزدیک به ۱۲ درصد بود. وی در این خصوص گفت: یکی از دلایل این امر به منابع بودجه‌ای آن برمی‌گردد. روند تخصیص حق بیمه این گونه است، هر سالی که منابع در نظر گرفته می‌شود به حق بیمه برای سال بعد تزریق می‌شود.



کشاورز سهم خود را نقد می‌پرداخت. پس از اجباری شدن این بیمه در قانون برنامه هفتم پیشرفت، صندوق بیمه محصولات کشاورزی به دلیل چالش‌های به وجود آمده، نتوانست حق بیمه اجباری که خود کشاورزان نقد پرداخت می‌کردند را هم دریافت کند. در حالی که صندوق بیمه محصولات کشاورزی بر اساس سامانه پهنه‌بندی وزارت جهاد تمام گندم‌زارها را بیمه کرده بود، برخی گندم‌گران محصولات خود را به دولت تحویل نداده یا به نام دیگری تحویل داده بودند، سهم بیمه گندم‌گران این دو دسته پرداخت نشد. با مازاری که ۱۰ درصد خسارت دیده بودند، محصولی نداشتند که تحویل دهند وی در توضیح بیشتر عنوان کرد: کل مطالبه صندوق از محل بیمه فراگیر ۷ میلیون هکتار گندم‌زارهای کشور، ۴.۹ هزار میلیارد تومان (همت) بود که باید پرداخت می‌شد که به دلیل ذکر شده در قانون بودجه ۱۴۰۴ همتی که در نظر گرفته شد، حق بیمه از محل مطالبات دولت می‌توانست پرداخت شود. بنابراین، دولت تمام تلاش خود را به کار بست اما در نهایت مجلس با آن مخالفت کرد.

این مسئول دولتی افزود: حتی چون موضوع فرآیندی بود، تلاش شد حق بیمه گندم‌زارها در سران قوایررسی محصول خود را تحویل دولت نداده بودند، ادامه داد: در حالی که صندوق بر اساس سامانه پهنه‌بندی وزارت جهاد کشاورزی تمام گندم‌زارهای کشور را بیمه کرده بود برخی گندم‌گران به هردلیلی محصولات خود را به دولت تحویل نداده یا به نام دیگری محصولات را تحویل داده بودند، حق بیمه و سهم گندم‌گران این دو دسته نیز پرداخت نشد. با مازاری که ۱۰ درصد گندم دیده بودند، محصولی نداشتند که تحویل دهند. قائم‌مقام صندوق بیمه محصولات کشاورزی با اشاره به این موضوع گفت: در سال زراعی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ گندم‌گرانی بودند که زراعت آنها ۱۰ درصد متحمل خسارت شده

و حوادث بیمه اجباری تمام خطر کند». همچنین در ادامه این قانون آمده است، حق بیمه سهم کشاورز، از مطالبات گندم‌گران بابت خرید تضمینی گندم از سوی دولت و از محل اعتبار ردیف خرید تضمینی آن باید پرداخت شود.

این مسئول دولتی در پاسخ به این پرسش که تمام محصولات آمده در قانون مانند گوشت قرمز از سوی دولت خرید تضمینی نمی‌شوند، بیمه آنها چگونه انجام می‌شود، اظهار کرد: یکی از مشکلات اجرای این قانون همین موضوع است. از ۹ محصولی که در این ماده قانونی آمده فقط گندم خرید تضمینی می‌شود. در این حوزه حیوانات، جو،... خرید تضمینی نمی‌شوند یا در خصوص شکر بهتر بود بیمه چقدر نقد و ونیشکر می‌آمد. به هر حال، این موارد چالش‌هایی است که در اجرا، نمود پیدا می‌کند تا اصلاحات به مرور انجام شود.

با یاختی با بیان این که بیمه فراگیر، قانون خوبی است با وجود این که ممکن است انگشتانی در متن آن وجود داشته باشد که می‌توان اصلاح کرد، یادآور شد: قانون بیمه اجباری، قانونی مترقی است زیرا به نفع کشاورز است و به نفع مردم است. در عنوان مثال، در بیمه فراگیر گندم مشکلات سال به سال کمتری می‌شود. به طور قطع بیمه اجباری این محصول استراتژیک، امسال کمتر از سال گذشته خواهد بود چون محاسبات فنی خیلی راحت‌تر و شویه اجرا سهل‌تر شده است.

حق بیمه گندم‌زارها در کشاکش دولت و مجلس

میدران بنیادی گفت گندم‌گران امسال نسبت به رفتار دولت در پرداخت مطالبات گندم‌گران کلاه‌بمند بودند و عنوان کردند، سال گذشته اعضای بخش خصوصی شورای قیمت‌گذاری و اتخاذ سیاست‌های حمایتی محصولات اساسی کشاورزی به شرطی با هر کیلوگرم خرید گندم از سوی دولت به مبلغ ۱۹.۵۰۰ تومان موافقت کردند که تمام حق بیمه سهم کشاورز را دولت بردارد. اما دولت خلف وعده کرد و بخشی از مطالبات گندم‌گران از سوی نهاد متولی دولتی به عنوان حق بیمه کشاورز نگه داشته شد. قائم‌مقام صندوق بیمه محصولات کشاورزی در ادامه ابهامات موجود در حوزه بیمه گندم‌زارهای کشور و در راستای کلاه‌بندم‌گران، توضیح داد: قانون آمده از محل مطالبات کشاورز و محل اعتبار ردیف خرید تضمینی حق بیمه گندم‌زارها باید پرداخت شود. این جمله خودش دارای ابهام است که در قالب استفسار به توضیح داده شد.

وی افزود: بزرگترین مشکل صندوق بیمه محصولات کشاورزی از واردات بیمه‌ش سال گذشته همین موضوع